

روایت تهران



بهترین قصه‌های تاریخی تهران جایزه می‌گیرند

صفحه «روایت تهران» که پیش روی شماست، به انعکاس روایت‌های خواندنی تاریخ تهران قدیم و سرگذشت شخصیت‌ها و نامداران، خیابان‌ها و گذرگاه‌ها، واقعه‌های تأثیرگذار و تاریخ شفاهی طهران تعلق دارد؛ با عکس‌های بازمانده از خاطرات تهران دیرباز و قصه‌ها و ماجراهای پس‌پشت این عکس‌ها. شما هم می‌توانید در انتشار این صفحه که متعلق به خود شما و شهر شماست ما را همراهی کنید. «همیشه‌ری» بهترین عکس‌ها و قصه‌هایی را که برای ما ارسال می‌کنید با نام خودتان منتشر و به شما «همیشه‌ریان همراه» هدیه‌ای تقدیم می‌کند.  
نشانی و شماره تماس ما: mahaleh@hamshahri.org - ۴۶۴ - ۳۳۴۵۵-۲۳۰

در روزگاری خیابان باب‌همایون دالان بهشت بود

# الماسیه؛ گذرگاه اختصاصی شاه و شاهزادگان

سمیرا باباجانپور  
روزنامه‌نگار

«سر در الماسیه» یکی از زیباترین گذرگاه‌های عهد قاجار در همین خیابان باب‌همایون است که به واسطه زیبایی و دل‌انگیزی محل برای جشن‌ها و مراسم شادمانی ناصرالدین شاه بود. زمانی که دروازه ارگ تهران مرمت شد مسیری که دروازه به سوی آن گشوده می‌شد سر در الماسیه نام گرفت. مکانی که خاطرات زیادی از تهران قدیم را در خود جای داده است. سر در الماسیه آینه‌کاری بود. درهای آن را از چند ساخته بودند و کاشی‌های نمای آن با دقت نصب شده بود؛ اما گذرگاهی که به آن منتهی می‌شد کوچه‌ای پارک و کثیف بود. ناصرالدین شاه که می‌خواست پایتختش رنگ‌روبی نو بگیرد، دستور داد که کوچه سر در الماسیه را عریض کنند. از آنجا که این گذر در نزدیکی کاخ گلستان بود باید زیبا و درخشان‌تر ساخته می‌شد. ناصرالدین شاه پس از اتمام کارهایی که برای مرمت خیابان خواسته بود، نام خیابان را به باب‌همایون، تغییر داد. ناصرالدین شاه از سر در الماسیه گذرگاه زیبایی ساخت. در شمال اندرونی

کاخ گلستان به سوی الماسیه باز می‌شد. نام باب‌همایون کمی پیش تقلیدی از نام‌گذاری عثمانی‌ها بود. آنها به دربار و کاخ شاهی، باب‌عالی می‌گفتند. از این رو، شاه قاجار نیز خیابان نوسازی شده تهران را که در کنار کاخ گلستان جای داشت، باب‌همایون نامید. البته در طول تاریخ سر در الماسیه را «در اندرون»، «خیابان نقاره‌خانه»، «خیابان ارگ» و «خیابان دالان بهشت» نیز نامیده‌اند. تغییرات خیابان در زمان خود شگرف بود. از آن کوچه پارک، خیابانی پهن و سنگفرش شده ساختند که در دو طرف آن درختان سر به آسمان کاشته بودند و نرده‌های فلزی در دو سمت خیابان دیده می‌شد. جوی آبی نیز از کنار درختان می‌گذشت و چراغ‌های روغن‌سوز آنجا را روشن می‌کرد. در حقیقت این گذرگاه نخستین خیابان تهران بود که در دو طرف آن درخت کاشتند. گذرگاه سر در الماسیه برای گذر شاه و شاهزادگان بود. درباریان برای رفت و آمد به کاخ گلستان باید از این خیابان می‌گذشتند. از این رو، همواره در پاکیزگی و نگهداری خیابان باب‌همایون می‌کوشیدند.

تالار ممنوعه عمارت سلطان بیگم

بهاره خسروی  
روزنامه‌نگار

عمارت سلطان بیگم شجاعی (خانه موزه بازار) با گذشت یک قرن و نیم از عمرش با معماری اصیل ایرانی دوره قاجار، هنوز یک سر و گردن از بقیه بناهای اطرافش زیباتر است. برای ساخت این خانه که به خواهر زن احمدشاه تعلق دارد از بهترین معماران و هنرمندان بهره گرفته شده تا چیزی از قصر شاهانه کم نداشته باشد. در میان همه زیبایی‌ها و ظرافتی که برای ساخت این خانه به کار رفته است تالار آینه به دلیل شباهت خیره‌کننده‌اش به تالار آینه کاخ گلستان از دیدنی‌ترین بخش‌های این خانه محسوب می‌شود. سقف اتاق آینه به صورت قاب‌بندی‌های چوبی نقاشی شده و آینه‌کاری‌ها به شکل مقرنس و قطار بندی و نقاشی روی درهای این تالار از نوع نقاشی‌های گیاهی است. وجود حوض خانه و آینه‌گیر بر بام تالار آینه از دیگر ویژگی‌های این شاه‌نشین است. سلطان بیگم شجاعی، خواهر زن احمد شاه قاجار و همسر محمدرضا شجاع‌الممالک تفتکدارباشی دوران قاجار بود. این زوج سال‌ها در محله پامنار در این خانه زندگی می‌کردند. معماری این خانه به شکل یو (U) است و بخش‌های مختلف ساختمان حول یک حیاط مرکزی قرار دارد.



این بنای قاجاری محل زندگی چهره‌های سرشناس دیگری هم بوده است. گویا خانواده پدری استاد شهرام ناظری ۲ سال در همین خانه زندگی می‌کردند. مرحوم «نیرنما» از مالکان این خانه بعد از ورثه سلطان بیگم توجه و اهمیت زیادی به اتاق شاه‌نشین و تالار آینه داشته است. او با همسر و فرزندانش به مدت نیم قرن در این خانه قاجاری سکونت داشتند؛ خانهای که در همه اتاق‌هایش به روی مهمانان باز بود؛ غیر از اتاق شاه‌نشین؛ یعنی تالار آینه که محوطه ممنوعه خانه محسوب می‌شد.

این روایت تهران را با اسکن این کیو آر کد ببینید.



این روایت تهران را با اسکن این کیو آر کد ببینید.



گشت و گذار رئیس جمهور آمریکا در امیرآباد

جنگ، تکمیل ساختمان مزبور طوری به عمل آید که بعداً برای ارتش ایران مورد استفاده باشد. بدین ترتیب، ستاد فرماندهی نیروهای آمریکا در خلیج فارس به فرماندهی ژنرال «دونالد کانالی» با ۲۸ هزار سرباز آمریکایی در امیرآباد مستقر شد. حسین فردوست در خاطرات خود نوشته: «آنها [آمریکایی‌ها] در خیابان امیرآباد یک باشگاه داشتند که مخصوص افسران و درجه‌دارانشان بود... آمریکایی‌ها به سرعت باشگاه امیرآباد را به مرکز فحشا تبدیل کردند. کامیون‌های آمریکایی به مرکز شهر می‌آمدند و دخترها را جمع می‌کردند و به باشگاه می‌بردند...» منطقه امیرآباد تا حوالی سال ۱۳۲۴ در اختیار آمریکایی‌ها باقی ماند و فرانکلین روزولت، رئیس‌جمهوری آمریکا، در حاشیه کنفرانس تهران که آذرماه ۱۳۲۲ برگزار شد به تهران آمد و از اردوگاه نظامیان آمریکایی در امیرآباد بازدید کرد.

پریسا نوری  
روزنامه‌نگار  
با امداد سوم شهریور ۱۳۲۰ ایران توسط متفقین اشغال شد و نظامیان خارجی در تهران و شهرهای مختلف کشور مستقر شدند. گرچه نظامیان آمریکایی ابتدا در این حمله دست نداشتند، اما در ماه‌های بعد به تدریج وارد خاک کشورمان شدند. قاسم تبریزی، پژوهشگر تاریخ معاصر، درباره حضور نظامیان آمریکایی در ایران می‌گوید: «مستشاران نه فقط در حوزه نظامی، بلکه در تمامی ارکان کشورمان حضور داشتند؛ از سازمان بودجه و بخش کشاورزی تا سیستم آموزشی و...» برخی از آنها با خانواده‌هایشان به ایران آمده بودند که تعدادشان در مجموع چیزی حدود ۶۰ تا ۷۰ هزار نفر برآورد شده است. پس از ورود نظامیان آمریکایی به تهران، احمد قوام، نخست‌وزیر، با واگذاری اراضی امیرآباد به آمریکایی‌ها موافقت کرد و منطقه امیرآباد تبدیل به اردوگاه نظامی آمریکا در تهران شد. تنها شرطی که قوام در نظر گرفت این بود که «طبق نظر وزارت

این روایت تهران را با اسکن این کیو آر کد ببینید.



حکایت آشی که یک وجب روغن داشت

در حیاط قصر اغلب رجال مملکت جمع می‌شدند و برای تهیه آش شله قلمکار هر یک کاری انجام می‌دادند. ناصرالدین شاه هم بالای ایوان می‌نشست و از آن بالا نظاره‌گر کارها بود. سرآشپزباشی ناصرالدین شاه هم مثل یک فرمانده نظامی امر و نهی می‌کرد. به دستور آشپزباشی در پایان کار به هر یک از رجال کاسه آشی داده می‌شد و او باید آن کاسه را از آشرفی پی می‌کرد، بنابراین افرادی که کاسه آش بزرگ‌تری به آنها داده می‌شد و روی آش آنها روغن بیشتری می‌ریختند ضرر بیشتری می‌کردند و آشرفی‌های بیشتری باید می‌دادند. به همین دلیل اگر آشپزباشی در طول سال با یکی از اعیان یا وزرا دعوایش می‌شد، به او می‌گفت: «بسیار خوب! بهت حالی می‌کنم دنیا دست کیه! آشی برات بیزم که به وجب روغن روش باشه.» این ساختمان اکنون به عنوان دفتر اداری و مدیریت بیمارستان استفاده می‌شود.

مریم باقرپور  
روزنامه‌نگار  
در میان ساختمان‌های کوچک و بزرگ بیمارستان شهید لویسانی یا سرخه‌حصار عمارتی قرار دارد که سرآغاز ضرب‌المثل‌هایی مثل «آشی برات بیزم که به وجب روغن روش باشه» است. از این عمارت به عنوان «قصر یاقوت» نام برده می‌شود که به دستور ناصرالدین شاه ساخته شد. «این قصر در سی‌ونهمین سال پادشاهی ناصرالدین شاه ۱۲۶۲ خورشیدی ساخته شد. آن زمان این قصر حدود ۲۰۰ اتاق داشت و علاوه بر تفرجگاه ناصرالدین شاه، محلی برای مراسم آتش‌پزان بود.» اما ماجرای ضرب‌المثل آشی چیست؟ به دستور ناصرالدین شاه سالی یکبار در این مکان آتش‌نذری پخته می‌شد و خودش هم در مراسم پخت آتش شرکت می‌کرد تا ثواب ببرد.

سومین نشست مرکز تهران‌شناسی همشهری برگزار می‌شود

# تهران رمضان

آداب روزه‌داری، مراسم مختلف پس از افطار و رسم و رسوم برپایی جشن فطر

مهمان نشست: **داریوش شهبازی** تاریخ‌پژوه و تهران‌شناس

کارشناس مجری: **مهرشاد کاظمی** تهران‌شناس

زمان: **شنبه ۲۶ فروردین** ساعت ۱۳ تا ۱۵

مکان: **خیابان ولیعصر (عج)** نرسیده به چهارراه پارک وی کوچه شهید قریشی (تورج) شماره ۱۴ سالن جلسات